



سویا لیسیم آینده است

چشم اندازهای استراتژیک حزب کمونیست افریقای جنوبی

مهمترین رخ و لوفاجه بار جهان در سال های اخیر، البته فرومشی اتحاد شوروی و کشورهای
سویالیستی بلوک شرق بوده است. این اتفاق به جنگ سرد که از سال ۱۹۴۵ در روابط بین
المللی مسلط شده بود پایان داد. نمد شدن بلوک دوم قدرت در جهان دو طلی، پی آمد های عمده
ای برای کشورهای و خلق های عقب مانده جنوب در برداشت

انتشارات نوید نو

پانز ۱۳۶۳

سوسیالیسم آینده است - حزب کمونیست افریقای جنوبی

طرح جلد : دانوب

سرچشمه : <http://www.sacp.org.za/docs/policy/1995/strategic.html>

چاپ دوم 1394

چاپ اول تازنگاشت نویدنو

انتشارات نویدنو

www.rahman-hatefi.net

نمایه نوشتار

- 4..... سوسیالیسم آینده است ، آن را از هم اکنون بسازیم !
- 4..... چشم انداز های استراتژیک حزب کمونیست افریقای جنوبی
- 4..... افریقای جنوبی واوضاع جدید جهانی
- 5..... 1.1- تغییرات در اقتصاد جهان سرمایه داری
- 5..... 1.1.1- بحران تولید
- 10..... 1.2- ضربه فروپاشی کشورهای سوسیالیستی
- 10..... حذف عامل جنگ سرد اثر بغرنجی در کشورهای جنوب داشت :
- 14..... 1.3- جایگاه انقلاب ملی دموکراتیک افریقای جنوبی در فضای جدید جهانی
- 16..... شرایط جدید جهانی در آن زمان ، مسیر انقلاب ملی ودموکراتیک در کشور مارا کجا رها کرد؟
- 17..... ما به طی کردن مسیری بین دو توهم به یک اندازه خطرناک نیاز مندیم :
- 20..... 1.4- راه پیشرفت در شرایط جدید جهانی
- 24..... پیشرفت ، تعمیق ودفاع از انقلاب دموکراتیک
- 25..... 2.1- پیش بردن ابزارهای انقلاب دموکراتیک :
- 26..... 2.2- تعمیق ابزار های انقلاب دموکراتیک آوریل 1994
- 27..... 2.3- دفاع
- 27..... 2.3.1- مخالف استراتژیک اصلی
- 32..... 2.3.2- نیروهای مخالف فرعی

سوسیالیسم آینده است!

2.4- مبارزه علیه ستم بر زنان در فاز کنونی انقلاب ملی دموکراتیک-یک دورنمای سوسیالیستی

34.....

ماشعار "سوسیالیسم آینده است ، آن را از اکنون بسازیم " را با این ادعا بکار

می بریم : 42

3.1- سوسیالیسم چیست؟ 44

3.1.1- دموکراسی 45

3.1.2- برابری 46

3.1.3- آزادی 46

3.1.4- اجتماعی کردن(سوسیالیزه کردن) 47

یک بخش مهم ورشد یابنده تعاونی 49

سوسیالیسم آینده است ، آن را از هم اکنون بسازیم !
چشم انداز های استراتژیک حزب کمونیست افریقای جنوبی
افریقای جنوبی و اوضاع جدید جهانی

مقدمه

روند مذاکرات در آفریقای جنوبی (1990-94) ، شکاف دموکراتیک آوریل 1994، و انقلاب ملی دموکراتیک در حال پیشرفت ما، همگی در درون متن بین المللی گسترده تری جای گرفته اند. اگر ما به پیشرفت و تعمیق دفاع از انقلاب ملی و دموکراتیک خود مصمم هستیم ، بسیار حیاتی است که درک درستی از متن جهانی که در آن عمل می کنیم داشته باشیم .

سوسیالیسم آینده است!

مهمترین رخ داد فاجعه بار جهان در سال های اخیر، البته فروپاشی اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی بلوک شرق بوده است. این اتفاق به جنگ سرد که از سال 1945 در روابط بین المللی مسلط شده بود پایان داد. ناپدید شدن بلوک دوم قدرت در جهان دوقطبی، پی آمد های عمده ای برای کشورها و خلق های عقب مانده جنوب در بر داشت .

تغییرات مهم در تعادل جهانی نیروها در زمان تغییرات عمیقی در اقتصاد جهان سرمایه داری (و در رابطه مشخصی با آن تغییرات) عملی شد.

این آخرین تغییر همان است که ما برای شروع بدان نیاز داریم"

1.1- تغییرات در اقتصاد جهان سرمایه داری

1.1.1- بحران تولید

اواسط دهه هفتاد میلادی رامی توان نقطه بحران در اقتصاد جهان سرمایه داری شناخت. آن دوره به موج بلند گسترشی که مشخصه تمام دوران بعد از جنگ جهانی دوم بود پایان داد ، و موج بلند انقباضی را که تا امروز نیز ادامه دارد آغاز کرد.

بدون مشابَهت با بحران دهه 1930 سرمایه داری (که بحران تحقق ارزش اضافی بود- بحرانی که اقتصاد های سرمایه داری ظرفیتی فراتر از تقاضا داشتند) ، بحران جاری بحران تولید است. بحران 1930 توانست با اقدامات

کینزی ، بطور اساسی با هزینه کردن دولت در پروژه های عمده وسایر مداخلات برنامه ریزی شده برای تحریک تقاضا حل شود. بحرانی که در میانه دهه 1970 آغاز شد بسادگی با اقدامات کینزی قادر به حل نیست. بحران جدید بازسازی عمیق تولید را ناگزیر ساخته است .

در تمام دوران دهه 1980 این بازسازی تولید عملی شده بود. در این میان مهمترین اقدامات قابل ذکر عبارتند از:

• ابداع تکنولوژی های جدید ، با پایه گذاری صنایع "دانش فشرده" (بعنوان مثال "انقلاب کامپیوتر")

• جایگزین کردن بسیاری از مواد اولیه با استفاده از مواد مصنوعی . این امر موجب کاهش تقاضا برای مواد اولیه سنتی شده است .

• عملیاتی کردن "جهانی سازی" فزاینده سرمایه در مقیاس فرا ملی، تمرکز بر تولید برای جهان (صادرات) در مقایسه با بازار های محلی، تصمیم به سرمایه گذاری در سراسر مرز های ملی ، و پیگیری دست یابی به مواد اولیه و کارآرزان در سراسر جهان

1.1.2- فشار بر کشورهای در حال توسعه

تمام این روند ها اثرات ژرفی بر اقتصاد کشورهای توسعه نیافته جنوب و روابط بین جنوب و اقتصاد های سرمایه داری صنعتی پیشرفته شمال داشته است . در راس آن ها:

سوسیالیسم آینده است!

• کاهش وابستگی به مواد اولیه سنتی منجر به تغییر مهمی در شرایط تجارت علیه تولید کنندگان محصول اولیه شده است. مثلا طبق گزارش برنامه توسعه سازمان ملل، قیمت های جهانی تقریبا 33 محصول اولیه (به استثنای فرآورده های انرژی مثل نفت) که اقتصاد های صادراتی بسیاری از کشورهای جنوب بدان وابسته اند تقریبا در سال های 1980 و 1991 به نصف قیمت کاهش یافته است .

• جهانی سازی با روند آزادسازی متغیر و نا برابر نیز همراه شده است. کشورهای جنوب با کاهش حمایت دولتی از تولیدکنندگان محلی و از طریق خصوصی سازی دارایی هایی که می توانند از سوی شرکت های چند ملیتی خریداری شوند به " بازکردن " اقتصاد های ملی خود وادار شده اند. اما در حالی که این وقایع رخ می دهند ، موانع غیر تعرفه ای در حداقل 20 کشور صنعتی نسبت به محدودسازی اندک در دهه 1982-1992 افزایش یافته است. بنا به گزارش برنامه توسعه سازمان ملل، این "محدودیت های بازار جهانی و مشارکت نا برابر" برای کشورهای درحال توسعه نزدیک به 500 میلیارد دلار هزینه داشته است. این مبلغ 6 برابر از آن چه آن ها برای اولویت های توسعه نظیر آموزش و پرورش ابتدایی،

بهداشت عمومی ابتدایی ، آب سالم و محو سوء تغذیه پرداخت کرده اند
بیشتر بود.

در وحله اول ، پاسخ بسیاری از کشورهای در حال توسعه به هجوم بحران در
دهه 1970 پیروی از "عقلانیت عرفی" و همزمان موعظه اعطا کنندگان
بود. آنها تلاش کردند رشد را با ترکیبی از هزینه های دولتی و قرض های
خارجی حفظ کنند. اما در موقعیتی که بحران اساسی در تولید و نه در
تقاضا ریشه داشت، این ترفند در اعاده رشد شکست خورد. در حقیقت، این
اقدامات به بحران عدم ثبات اقتصاد کلان و تعهدات بدهی خارجی عظیمی
در تعداد فزاینده ای از کشورهای در حال توسعه منجر گردید.

این تغییرات پس از آن ، به نوبه خود، پس زمینه ای را در برابر
کشورهایی از جنوب (و به ویژه آفریقا) شکل داد که به روابط نامعنومی با
صندوق بین المللی پول و بانک جهانی وادار می شدند. آنها مجبور بودند
برای دریافت وام در راستای برآمدن از عهده مشکلات خطرناک تراز پرداخت
هایشان به این نهادها نزدیک شوند. ارزش مطالبه شده برای این وام ها
پذیرش بسته سیاسی معروف به "تعدیل ساختاری" بود. برنامه های تعدیل
ساختاری در تلاش ترویج ثبات اقتصاد کلان از طریق راه علاجی کلیشه ای
بود:

• کاهش شدید ارزش پول ملی

سوسیالیسم آینده است!

• کاهش بودجه کشور (از جمله هزینه های آموزش و پرورش و بهداشت عمومی)

• حذف سوبسید های دولتی کالاها مانند بهای عمده فروشی مواد غذایی

برنامه تعدیل ساختاری کاهش نقش دولت در اقتصاد، "آزاد" کردن بازار از آن چه بعنوان انحرافی مخلوق سیاست مداخله جویانه مد نظر قرار می گرفت و ایجاد فضا برای کار آفرینان بخش خصوصی را نیز تعقیب می کرد.

گزارش نهایی برنامه عمل برای بهبود و پیشرفت اقتصاد افریقاییان سازمان ملل (UN-PAAERD) در نشان دادن فشار این برنامه های تعدیل ساختاری نو لیبرالی بسیار آموزنده است. گزارش منتشر شده در 1991، نتیجه می گیرد که افریقا در 1991 علیرغم تدارک 128 میلیارد دلار برای حمایت از برنامه های تعدیل ساختاری، نسبت به 5 سال قبل در بدترین وضعیت ممکن قرار داشت، درآمد سرانه واقعی به متوسط سالانه 0/7 درصد سقوط کرد در حالی که نرخ بی سواد، مرگ و میر و بدهی همگی افزایش یافت. کارگران و دیگر طبقات مردمی جنوب وادار به تحمل بار اصلی برنامه های تعدیل ساختاری شدند در حالی که اندک نخبگان ملی، در همکاری نزدیک با فرا ملیتی ها اغلب سود بردند.

حتی قبل از فروپاشی کشورهای سوسیالیستی ، تغییرات آن زمان در اقتصاد جهانی نیز به تباهی مهمی در رابطه جنوب - شمال به زیان اکثر کشورهای جنوب و به ویژه به زیان کشورهای افریقایی منجر شده بود.

1.2- ضربه فروپاشی کشورهای سوسیالیستی

بحران و فروپاشی کشورهای سوسیالیستی اهمیت عظیمی برای واقعیت سیاسی جهان داشته است. اگر چه هنوز برخی کشورهای سوسیالیستی باقی مانده اند، اما دیگر بلوک دوم توانمندی که قادر به تدارک بدیلی در شرایط تجارت جهانی، کمک، یا مساعدت نظامی و سیاسی باشد وجود ندارد. بعبارتی پس از فروپاشی ، جهان پس از جنگ سرد به ویژه از نظر سیاسی - نظامی، جهانی تک قطبی است . اما در جبهه اقتصادی ، فروپاشی کشورهای سوسیالیستی در زمانی رخ داد که هژمونی امریکا در حال نزول و رقابت بین امریکا ، اروپا و ژاپن در حال رشد بود. تک قطبی با چند قطبی ساختار یافته گرد گروه هایی از کشورهای هسته در بلوک های تجاری منطقه ای همزیستی می کند

حذف عامل جنگ سرد اثر بغرنجی در کشورهای جنوب داشت :

- حذف عامل جنگ سرد در کاهش حمایت بین المللی از مبارزات آزادی بخش مسلحانه تاثیر داشت. این امر قبلا در نیمه دوم دهه 1980 با

سوسیالیسم آینده است!

سیاست "پیدا کردن راه حل های سیاسی برای درگیری های منطقه ای" گورباچف آغاز شد. از این تاریخ حمایت بلوک سوسیالیستی از جنبش های رهایی بخش ملی (از جمله جنبش خود ما) تا پایان دهه 1980 آغاز به کاهش کرد و با فروپاشی بلوک سوسیالیستی کاملاً محو شد.

• بعبارت دیگر، در بحبوحه جنگ سرد، تلاش ها (گاهی اوقات تلاش های بسیار معتدل) برای اصلاحات دموکراتیک و توسعه اجتماعی و اقتصادی در کشورهای جنوب، اغلب با فشار کشورهای امپریالیستی و متحدان محلی آنها به نام "عقب راندن تهدید کمونیسم" در هم شکست. حمایت غرب از بسیاری از رژیم های جنایتکار جنوب بر این استدلال استوار بود. این استدلالی است که در حال حاضر به طور قابل ملاحظه ای بی ارزش شده است.

• روی هم رفته، این دو تغییر برای برگزاری گفتگو های مصالحه جویانه در تعدادی از محل های درگیری در جنوب از جمله کشور خود ما پایه ای فراهم کرد. این امر همچنین راه را برای آنچه در اصل، تغییری مترقی و خوش آیند در توزیع دموکراتیک چند جانبه در بسیاری از کشورهای جنوب و بلوک شوروی سابق است هموار نمود.

• هر چند این تغییر (این تغییر بسیاری از اوقات شرایط جدیدی برای کمک است) اغلب در شرایطی مطرح می شود که برنامه تعدیل اقتصادی حق حاکمیت دولت ها را تضعیف و به طور برجسته ای امکانات پیشرفت را محدود کرده است. در زمینه ای که چشم انداز آبی برای فراهم کردن بهبود در زندگی اکثریت تیره و تار است ، فضای سیاسی جدید اغلب از سوی اندک نخبگان قومی و منطقه ای اشغال می شود. - این امر در افریقا ، اروپا و اتحاد شوروی سابق رخ داد.

• پایان جنگ سرد " اهمیت استراتژیک " بخش بزرگی از جنوب را نیز تا جایی که قدرت های عمده جهانی علاقمند بودند تقلیل داد. جنوب دیگر به طور آشکاری عرصه رقابت برای نفوذ ژئوپولیتیک و کنترل نیست. این کاهش اهمیت به ویژه در مشارکت بیشتر برای عمیق تر کردن نزول مارپیچ غفلت، خشکسالی و بحران های عمومی، افریقا را تحت تاثیر قرار داده است.

" نظم نوین جهانی " که تصور می شد از خاکستر جنگ سرد بر خیزد، تا حد زیادی ثابت کرده است که یک بی نظمی است. این بی نظمی موارد زیر را شامل می شود :

• تاثیرات شوم برنامه های تعدیل ساختاری در سرتاسر جنوب ، و گرسنگی انبوه مردم در بخش های زیادی از جنوب

سوسیالیسم آینده است!

• عدم ثبات دائمی و ژرفنده در بسیاری از نقاط جهان، و تا حد زیادی به عنوان نتیجه اجرای این برنامه ها

• مهاجرت گسترده از جنوب فقیر شده به شمال ، از کشورهای سوسیالیستی سابق به اروپای غربی ، و در داخل جنوب از بسیاری از کشورهای پیرامونی به کشورهای نیمه پیرامونی

شرایط جدید نیز با عدم ثبات عمده در بازار های مالی جهان توصیف می شود.

تمام این موارد به عدم امنیت قابل توجه ما در آستانه نزدیکی به هزاره جدید افزوده می شود. سرمایه داری جهانی که تنها سه یا چهار سال پیش چنان متکبرانانه بر شیپور پیروزی خود در جنگ سرد می دمید، به صورت غریبی ناتوانی خود را در تبدیل این پیروزی به چیزی تشبیه شده ، و تنها به حال خود رها کردن نظم جهانی اثبات کرده است . نظم جهانی تحت سلطه امپریالیسم هیچ راه چاره با دوام و امید معناداری برای اکثریت عظیم جمعیت جهان ندارد.

*- گزارش مورد پذیرش و اصلاح شده درکنگره نهم حزب کمونیست افریقای

جنوبی آوریل 1995

1.3- جایگاه انقلاب ملی دموکراتیک افریقای جنوبی در فضای جدید جهانی

در درون حزب کمونیست افریقای جنوبی حداقل از 1989، مباحثات باز و ادامه داری در باره معنی و مفهوم تغییرات جهانی وجود داشته است. با تاحد زیادی به صورت بسیار ویژه ای، درباره دلالت های بحران و فروپاشی بلوک سوسیالیسم بحث داشته ایم. ما بعنوان کمونیست های افریقای جنوبی، به صورت جمعی روندی از تحقیق و بازبینی در درون این حوادث را در تعقیب دلالت ها برای سوسیالیسم پیش برده ایم. ما از رها کردن هر دمپیل مسیر ارزش های کمونیستی خود، سازمان کمونیستی خود و تعهد به یک آینده کمونیستی پرهیز کرده ایم. اما از سنجاق شدن به خرفتی دگماتیک نیز خود داری کرده ایم، چنانکه در میراث کمونیستی ما چیزی که نباید آموخته شود، چیزی که نباید مورد نقد قرار گیرد، و چیزی که نباید نوسازی و پذیرفته شود وجود ندارد.

تغییرات اقتصادی جهان از اواسط دهه 1970 و حوادث 1989-1991 در اروپای شرقی، نیز تاثیر عمیق استراتژیکی در جنبش های آزادیبخش ملی جنوب داشته اند. هر چند این تاثیرات از درون این جنبش ها، از جمله در میان متحدین کنگره ملی افریقا - رهبری آزادیبخش خود ما کمتر مورد تحلیل دقیقی قرار گرفته است. ما بعنوان جنبش رهایی بخش کنگره ملی

سوسیالیسم آینده است!

افریقا ، اندیشه جمعی در باره دلالت های اوضاع جدید جهانی برای انقلاب ملی و دموکراتیک نداشته ایم . این به معنای انتقاد حزب کمونیست افریقای جنوبی از کنگره ملی افریقا نیست ، بلکه انتقادی است از آنچه ما تصور می کنیم کمترین مسئولیت ما است.

در داخل جنبش های مترقی آزادی بخش ملی، انقلاب ملی دموکراتیک مستقل گذشته همچون روندهای انتقالی مورد ملاحظه قرار می گرفته است :

- تحکیم اتحاد ملی (ساختن ملت)
 - تحکیم اعتماد به نفس ملی و توانایی نسبی برای طرح برنامه های ملی خود ، و
 - آغاز کردن یک برنامه توسعه اقتصادی و سیاسی
- همه این سه جزء انقلاب ملی و دموکراتیک ، به صورت نزدیکی به هم مرتبط و وابسته به یکدیگرند.

موجودیت یک بلوک سوسیالیستی در داخل سیستم جهانی که می توانست ، تا اندازه ای از نظر نظامی ، سیاسی و اقتصادی با امپریالیسم مقابله کند ، در مرکز محاسبات استراتژیک و برنامه های ترقی خواهانه جنبش های رهایی بخش جهان سوم قرار داشت . بسیاری از جنبش های مترقی در

آنرا از هم اکنون بسازیم

جهان سوم با بی طرفی ، یا از راه همسویی با بلوک سوسیالیستی، به فضای تنفس ، سلب پیوند نسبی از سلطه خرد کننده امپریالیسم جهانی دست یافتند. (بر عکس مسیر رشد کره جنوبی سرمایه دار و تایوان متمایل به صادرات، به نوبه خود از طریق موقعیت جغرافیایی آنها در خط مقدم جنگ سرد میسر شد ، به آنها نیز چیزی از هوای تنفس از سوی قدرت های امپریالیستی داده شد ، چیزی که به هیچ وجه به جوامع جهان سوم داده نشد)

شرایط جدید جهانی در آن زمان ، مسیر انقلاب ملی ودموکراتیک در کشور ما را کجا

رها کرد؟

در قدم اول ما نیاز به درک بسیار راسخی داریم که جز با تحلیل واقعی شرایط جدید جهان و موقعیت مبارزه ما در داخل آن ، الزام ما به یک انقلاب ملی و دموکراتیک چیزی بیش از باز گشتن به ایده آل های "شایسته اما غیر قابل اجرا" نخواهد بود. بدون درک روشن از واقعیت های جدید ، سیاست هایی نظیر برنامه های تعدیل ساختاری به صورت " مطلوب" باقی خواهد ماند که پیوسته با توسل به "واقع گرایی" در شرایط جدید جهانی ، از درون تحلیل می یابد. سیاست های دولت جدید ما ، خواه در قلمرو مسائل خارجی ، تجارت و صنعت ، باز سازی اقتصاد ، و یا خواه در

سوسیالیسم آینده است!

ایجاد و اصلاح کشور ، سیاستی قابل تردید ، فاقد نگرش روشن استراتژیک همه جانبه و طعمه ای برای تغییر دادن تک بعدی دائمی خواهد بود . ما بین شکست گرایی از یک سو و ساده لوحی در سوی دیگر به میخ دوسری شبیه هستیم که محبوبیت بین المللی کنونی ما ، ما را از غارت سیستم جهانی تند خو به سر کردگی امپریالیسم مقاوم انتقال خواهد داد . حتی بصورت خیلی جدی ، فقدان نگرش استراتژیک همه جانبه می تواند سریعاً به پراگماتیسمی بی قاعده ، و سستی اخلاقی در جنبش ما منجر شود.

پس در شرایط جدید جهانی ما چگونه می توانیم انقلاب ملی و دموکراتیک افریقای جنوبی را تحکیم و توسعه دهیم؟

ما به طی کردن مسیری بین دو توهم به یک اندازه خطرناک نیاز مندیم :

1- توهم اولی آن است که ما بسادگی واقعیت جدید جهانی را انکار کنیم ، و به راه خود ادامه دهیم. کشور ما خواه خوش آیندما باشد یا نباشد به ناگزیر بخشی از یک سیستم گسترده جهانی است . جهانی سازی در روند های واقعی انباشت (سرمایه) ریشه دارد که به صورت قابل توجهی امکانات توسعه غیر متعارف (یک کشور به تنهایی) را کاهش داده است. این امر به

ویژه در مورد کشوری مثل افریقای جنوبی ، که نسبتاً کوچک ، نیمه پیرامونی و به شدت وابسته به تجارت خارجی است ، مصداق دارد.

1- به عبارت دیگری توهماتى وجود دارد که یا ساده لوحانه و یا شکست گرا یا ترکیبی از هر دو آنها است. توهماتى وجود دارد که ما مجبور به پذیرش شرایط جهان همچون واقعیتی مسلم و غیر قابل تغییر هستیم. از این منظر، چنین استنباط می شود که گویا ما باید بسادگی سیاست های بومی را برای متداول کردن سبک های بین المللی تعدیل کنیم. در این راه ، استدلال می شود که ما درجهانی که بناگزیر به تقسیم ملت ها به کشورهای "برنده" و "بازنده" ادامه خواهد داد " کشور برنده " خواهیم بود. این گونه توهم ها حداقل در دو جایگزین مد روز تجلی پیدا می کند:

2- یک جایگزین آن است که ما به اجبار مسیر نو لیبرالی برنامه تعدیل ساختاری را پی بگیریم. ما قبلاً شکست کلان این برنامه هارا در اکثریت موارد ، به ویژه در افریقا متذکر شدیم. این نسخه ، علیرغم شواهد قدرتمند ، هنوز با صدای بلند در کشور ما ترویج می شود.

• جایگزین دوم آن است که ما بتوانیم سیاست های اقتصادی خود را بر مدل کشورهای نو صنعتی ، نظیر تایوان ، کره جنوبی بنا کنیم. این استدلال برای انکار موارد زیر انتخاب می شود

سوسیالیسم آینده است!

• طبیعت به شدت تمرکز گرای این رژیم ها (که راه رشد آنها نه به نئو لیبرالیسم ، بلکه بر دخالت کلان دولت در اقتصاد وابسته بود)

• در حقیقت زمانی که تایوان و کره جنوبی رشد متکی بر صادرات خود را آغاز کردند ، اهمیت سیاسی - نظامی بزرگی برای امریکا داشتند . آن ها موقعیت کلیدی را در خط مقدم جنگ سرد اشغال کرده بودند. این امر آنها را به تامين درجه بالایی از امتیاز دسترسی به بازار امریکا بدون باز کردن در بازارهای محلی خود قادر ساخت. این (دسترسی به بازار امریکا) مزیت مهمی را نصیب آنها کرد، که در شرایط کنونی برای هیچ کشور دیگری ، در مراحل اولیه توسعه صنایع متکی بر صادرات قابل دسترس نیست

• کشور های نو صنعتی در زمانی رشد مبتنی بر صادرات را انتخاب کردند که بسیاری از کشورها مسیر عکس یعنی واردات جایگزین صنعتی شدن را برپایه تولید برای بازار های محلی محافظت شده تعقیب می کردند . امروزه تقریبا تمام کشورهای نیمه پیرامونی و بسیاری از کشورهای پیرامونی در تلاش تحقق استراتژی مبتنی بر صادرات مواد غیر اولیه به بازار های شمال هستند. این استراتژی از سوی کشورهای بی شمار در زمانی

پیگیری می شود که شرایط جهانی بیش از پیش به اوضاع نامساعدی برای کامیابی همه تبدیل می شود.

1.4- راه پیشرفت در شرایط جدید جهانی

مرحله کنونی انقلاب ملی و دموکراتیک ما مرحله ای است که وظایف کلیدی آن پیشرفت، تعمیق و دفاع از خیزش دموکراتیک 1994 است. این وظایف کلیدی نسبت مستقیمی با گسترش رابطه ما با شرایط جهانی دارد. مابه مبارزه برای تامین تمامیت ارضی خود، تصمیم گیری ملی دموکراتیک در مسائل سیاسی کلیدی نیاز داریم. ما باید مطمئن باشیم که به شرایطی که سیاست های ما از طرف شرکای خارجی مانند اعتبار دهندگان یا سرمایه گذاران دیکته شده باشد سقوط نمی کنیم. این امر، به نوبه خود به معنای آن است که:

- مطمئن باشیم کسانی که از طرف ما مسئول مذاکره بر سر شرایط درگیری ما با جهان (در اشکال گوناگون و از طریق نهادهای مختلف) هستند تنها گذاشته نمی شوند یا به معاملات پنهان کشیده نمی شوند. شفاف کننده بیشتر این روند ها آن است که نمایندگان ما بتوانند بر جلب حمایت بیشتر توده ای امیدوار بوده و از این راه دست های خود را مستحکم سازند.
 - که ما با جهان با یک نگرش استراتژیک منسجم، ملی روبرو شویم.
- . فراتر از همه ما نباید به موارد ذیل اجازه دهیم:

سوسیالیسم آینده است!

- عدم اجازه به اولویت محوری برنامه های تعدیل ساختاری (در نظر داشتن نیازهای بنیادی مردم)
- عدم اجازه به نفوذ محوری برنامه تعدیل ساختاری، و اجرای برنامه کلان درون زای صنعتی سازی بر اساس چهارچوب های بنیادی توسعه شهر وروستا
- و عدم اجازه به مشی اصلی برنامه های تعدیل ساختاری در تخصیص منابع از طریق توزیع مجدد و بازسازی برای منزوی کردن و وابسته کردن در جاده ای یک طرفه برای تلاشی رقابتی و بی پایان در راستای جلب سرمایه گذاران خارجی به هر قیمت.
- در هر حال اصرار ما در مبارزه برای حفظ تمامیت ملی، تصمیم گیری دموکراتیک و شکاکیت ما در باره چشم انداز های "معجزه" صادرات محور، به هیچ وجه دال بر آن نیست که ما آرزوی جدا کردن کشور خود از بقیه جهان را داریم. حزب کمونیست افریقای جنوبی همیشه انترناسیونالیست بوده و خواهد بود. باز شناسی صادقانه ما از بعضی خصوصیات نا مساعد شرایط جاری جهانی ما را وادار می کند که در برانگیختن کشور، دولت و مردم خود، برای درگیری فعالانه در مبارزه برای تغییر محیط جهان نیروی پیشقراول باشیم. ما پذیرش عیب جویانه تقسیم جهان به کشورهای "برنده"

و "بازنده" را رد می کنیم. آشکار است که در این تمهید ، بخش اعظم افریقا محکوم به ماندن در اردوی "بازندگان" است. ما در افریقای جنوبی به خودمان اجازه نمی دهیم که در این مورد بی قید باشیم. بحران در کشور های همسایه و منزوی کردن افریقا به شکل مهاجرت انبوه ، جنبش مهاجران ، قاچاق اسلحه و مواد مخدر و بسیاری از دیگر واقعیت های بی ثبات کننده عواقب غیر منتظره ای بر ما خواهد داشت .

محیط جدید بین المللی ، تحت سلطه دشمن طبقاتی ما ، برای ما بعنوان سوسیالیست ها دشوار است . اما این یک واقعیت جهانی است که برای درگیری موثر بدون امکانات نیست. این امکانات عبارت است از:

• رشد زنجیره ای از نیروها به صورت جهانی که سیاست های بی قاعده دهه 1980 را نقد می کنند .

• شکست آشکار برنامه تعدیل ساختاری صندوق بین المللی پول و بانک جهانی برای بهبود رشد در افریقا . این (شکست) به این معنی است که این سیاست ها، حتی از جانب مراکز فرماندهی در داخل خود این نهادها نیز زیر آتش فزاینده ای قرار گرفته اند

• نمایندگان سازمان ملل که در دهه 1980 عرصه را به صندوق بین المللی پول و بانک جهانی واگذار کردند، برای ترمیم پایه تلاش می کنند. بعنوان مثال برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP) ، برای تزریق

سوسیالیسم آینده است!

دوباره نتایج توسعه در بخشی سعی کرده اند که ، در دهه 1980 منحصرآ بر تمرکز بر رشد اقتصادی تبدیل شده بود .

• جنبش های مهم جهانی بسیج شده حول حفاظت از محیط زیست ، و آنهایی که روند رشد مشابهی دارند با اهمیت صرف نگرانی های رشد مخالفند.

• ابتکارات فزاینده ای برای احیا مشارکت جنوب - جنوب ، و زنجیره گسترده ای از ابتکارات در میان سوسیالیست ها، کمونیست ها ، چپ نو و سایر نیروهای سازمان یافته به صورت بین المللی . در حالی که این تلاش ها متغیر باقی می ماند، فروپاشی بلوک سوسیالیستی ایجاب کرده است و امکانات گسترده ای برای کنش متقابل وسیع تر و فرقه گرایی کمتر ایجاد کرده است.

علیرغم مشکلات فراوان پیش روی ما، آفریقای جنوبی دموکراتیک نوین از اعتبار بین المللی قابل ملاحظه ای بر خوردار است. ما به استفاده از این دارایی و سایر امکانات مثبت در شرایط جدید جهانی برای در گیری بین المللی در راه هایی که به ملت ما ، سراسر قاره آفریقا و زحمتکشانش سراسر جهان سود برساند نیاز مندیم .

پیشرفت ، تعمیق و دفاع از انقلاب دموکراتیک

ما دست اندرکار انقلاب ملی دموکراتیک هستیم. محتوی اصلی این مبارزه آزادی تاریخی سیاه ستم دیده ، و به ویژه اکثریت افریقایی ها است.

آوریل 1994 دگرگونی قطعی و فاز جدیدی را در انقلاب ملی دموکراتیک آفریقایی جنوبی رقم زد. تا آوریل 1994، هدف عمده فوری جنبش آزادیبخش ما شکست دادن دولت آپارتاید بود. آوریل 1994 به حاکمیت رسمی اقلیت نژاد پرست پایان داد. حمایت توده ای در انتخابات از اتحاد به رهبری کنگره ملی افریقا ، کنگره ملی افریقا را بعنوان نیروی سیاسی عمده قدرتمند در دولت اتحاد ملی مستقر ساخت. انتخابات ورود نیروهای دموکراتیک را به داخل برخی و نه تمام مناصب رسمی قدرت سیاسی در کشور ما تشبیت کرده است .

پایان یافتن حاکمیت رسمی اقلیت نژاد پرست ، اگرچه پیروزی نهایی انقلاب ملی و دموکراتیک نیست ، اما پایه هایی را برای پیشرفت سریع و تحکیم روند گذار ملی دموکراتیک و تحقق سوسیالیسم فراهم می آورد .

هدف اصلی مرحله جدید انقلاب ملی و دموکراتیک پیش بردن روند دموکراتیزه کردن کشور ، در راستای عملی کردن بخشی از تلاش برای بازسازی عمومی و توسعه در غلبه کردن بر میراث ستم ملی است. شعار "پیشرفت ، تعمیق و دفاع از انقلاب دموکراتیک" با منافع فوری و

سوسیالیسم آینده است!

استراتژیک دراز مدت طبقه کارگر و طیف گسترده ای از نیروهای مردمی
افریقای جنوبی تطبیق می کند. این شعارمستقیم ترین مسیر به سمت
سوسیالیسم در کشور مانیز هست .

2.1- پیش بردن ابزارهای انقلاب دموکراتیک :

به کار گرفتن ابتکار استراتژیک برای تغییر و تضمین آن که ما مزایا و
میزان حرکتی را که آرای اکثریت عظیم آوریل به جنبش ما اعطا
کرده است از دست نمی دهیم . باید مطمئن شویم که روند انتقالی تا نیل
به رهبری توده ای ادامه می یابد . این امر خطیری است که ما با تردید و
دودلی یا با خود شیفتگی نخبگان جدید در بر خوررداری از " غنیمت مقام "
فرصت های موجود در شرایط جدید را بر باد ندهیم.

قبول مسئولیت کامل ، بعنوان اتحاد کنگره ملی افریقا ، برای پیروزی و به
همین دلیل برای حکمرانی . ما نمی توانیم اجازه دهیم که محدودیت های
گذار، مانند توزیع قدرت در دولت اتحاد ملی ، به بهانه ای برای تاخیر و
تردید از سوی ما تبدیل شود.

گسترش دادن استراتژی های روشن ایالتی. حتی در استان هایی که اتحاد
کنگره ملی افریقا اکثریت را کسب نکرده است ، ضرورت پیش بردن انقلاب
ملی آوریل 1994 یک وظیفه کلیدی و مسئولیتی واقعی باقی می ماند.

انتقال دادن روند آوریل 1994 به یک پیروزی در لایه های بحرانی و نزدیک دولت منتخب در انتخابات دولت محلی نوامبر 1995. دولت انتخابی محلی بنیاد دموکراسی و برای تغییر موثر زندگی مردم تعیین کننده است .

2.2- تعمیق ابزار های انقلاب دموکراتیک آوریل 1994

استفاده از امکانات و قدرت جدید خود برای تضمین دموکراتیزه کردن مطلق نهادهای سیاسی قوه مجریه ، پارلمان و مجالس قانون گذاری محلی ، خدمات دولتی و مدنی ، نیرو های امنیتی و اطلاعاتی ، دولت های محلی ، دادگاه ها ، فرهنگ عمومی و گویندگان . دموکراسی سیاسی باید تعمیق یافته ، و تضمین نماید که دولت و بخش عمومی کارآ، شفاف ، نماینده واقعیت طبقاتی، نژادی و جنسیتی جامعه ، قابل دسترس و پاسخگوی مردم است .

به دوش گرفتن منطق وپیش فرض های قاعده دموکراسی اکثریت، مشارکت ، توانمند سازی ، پاسخگویی ، برابری شهروندان در همه حوزه های فعالیت های اقتصادی ، اجتماعی، فرهنگی با ملاحظه مناسبات جنسیتی جامعه ما . برنامه بازسازی و توسعه خطوط گسترده ای را برای پیشرفت در این جبهه ها ترسیم می کند.

سوسیالیسم آینده است!

تسهیل مشارکت فعال مردمی به ویژه طبقه کارگر در مبارزه انتقالی . این امر وسیله ای برای عرضه محتوی روشن و به ویژه قابل اجرا در پاسخ به الزامات برنامه بازسازی و توسعه مردمی است . این امر مستلزم تحکیم ساختار توده ای جنبش آزادی بخش ما ، و از میان تمامی بخش های جامعه مبتنی بر سازمان ها و ان جی او های مترقی ، و تقویت اتحاد عمل آنها در داخل شوراهای برنامه ریزی در تمام سطوح است .

2.3- دفاع

اما انقلاب آوریل 1994 محتاج دفاع نیز هست . دفاع از انقلاب دموکراتیک در متن مشغیر و پیچیده ی خطوط تازه ای از مبارزه که در روند تثبیت جریان دارند رخ می دهد. تمایز بین مخالف راهبردی اصلی و نیروهای متخاصم فرعی در این اوضاع ضروری است .

2.3.1- مخالف استراتژیک اصلی

در این مرحله ی انقلاب ملی و دموکراتیک ، مخالف استراتژیک اصلی ، بقایای سرمایه داری ، هم ملی و هم بین المللی است. بسیاری از عوامل گوش به فرمان سرمایه بر سر توافقی همکاری کرده اند. اما در این همدستی یک دستور کار طبقاتی وجود دارد. انتقاد عمیق ساختاری از سرمایه داری در افریقای جنوبی ، و موج های خیزان مبارزه مردمی ،

جداگانه و همراه باهم ، تاکتیک ها و استراتژی های تغییر یافته طبقه سرمایه دار در راستای اتحاد عمل و اعمال دوباره سرکردگی سرمایه داری در روند بازسازی را تحت فشار قرار می دهد.

راهکارهای تغییر یافته پذیرش دموکراتیزه کردن صوری (اما نه ذاتی) افریقای جنوبی ، و رفع تبعیض نژادی صوری (باز هم نه ذاتی) را آغاز کرده اند. این چشم انداز های راهبردی در بند بند تشکیلات سیاسی نظیر حزب ملی و حزب دموکراتیک و نیز در بین لابی تجارکارکشته گروه هایی نظیر ساکوب وجود دارند. در راستای تغییر شکل عقب نشینی نسبی آنها به تجدید قوا و تجدید اعمال سلطه سرمایه داری ، تهاجم شدیدی (اگر چه " نرم ") علیه جنبش آزادی بخش به راه افتاده است . به ویژه این امر تلاش های نمونه وار بیطرفانه نو استعماری را در گزینش شریک در داخل صفوف سرمایه داری نشان می دهد، یک طبقه ممتاز سیاه، و تلاش هایی برای تغییر دادن جنبش رهایی بخش از طریق اعمال نفوذ در میان نخبگان سیاسی جدید، از طریق لابی گری ، فساد و تهاجم بی امان ایدئولوژیک ، به پیشگامی بخش هایی از مطبوعات بورژوازی ، که برای توجیه سرمایه داری موجود بعنوان " تنها آلترناتیو قابل تصور " طراحی شده است . تلاش های استواری هم برای منزوی کردن حزب

سوسیالیسم آینده است!

کمونیست آفریقای جنوبی و نیروهای طبقه کارگر در داخل جنبش رهایی بخش وجود دارد.

تمام این موارد تاکید می کنند که چرا کارزار علیه فساد ، و علیه خود پروری در میان ادارات عمومی ، که جدایی فزاینده رهبری سیاسی را از ریشه های بنیانی آن در بین توده های ستمدیده و طبقه کارگر گسترش خواهد داد ، تنها کارزاری اخلاقی در باره "شیوه زندگی " نیست. این کارزار ها عمیقا در درون طبقه کارگر و حمایت مردمی از انقلاب دموکراتیک آوریل 1994 جاسازی شده اند.

یکی دیگر از اجزا تهاجم سرمایه علیه تثبیت انقلاب ملی دموکراتیک ما ، حمایت برخی از بخش های سرمایه از تفسیمات فدرال ، برای " انعطاف پذیری بیشتر منطقه ای " و جلب طبقات ممتاز منطقه ای است . ما بعنوان جنبش رهایی بخش برای انتقال واقعی قدرت پافشاری می کنیم. هرچند حمایت برخی بخش های سرمایه داری از فدرالیسم تلاش آشکاری برای براندازی حق حاکمیت ملی و قدرت دولت جدید ملی ، تضعیف تلاش مشترک برنامه بازسازی و توسعه است که تماما درباره برنامه منسجم ملی بازسازی و باز توزیع منابع ، فرصت ها و زیر ساخت ها است . هواداری از فدرالیسم تلاش برای مسدود کردن راه تمرکز برنامه ریزی ملی در فایق

آمدن بر اختلافات منطقه ای در کشور ما است. سرمایه در همه جا استثمار می کند و توسعه نا متوازن را تشدید می کند، به برخی از مناطق اجازه می دهد که حوزه تولید ارتش ذخیره کار ، برخی دیگر منطقه صادرات محصول و بعضی نیز بازارهای مصرف باشند. سرمایه در همه جا در پی به دست آوردن مزایای نسبی خود از فراز سر دولت های دموکراتیک منتخب و طبقه کارگر است. سرمایه به شدت و به طور روز افزونی متحرک و سیال است ، و دولت های دموکراتیک و طبقه کارگر کمترین تحرک جغرافیایی را دارند. این دلیل خوب و بدون دست کشیدن از انترناسیونالیست بودن است که ما اعلام کرده ایم که مبارزه عاجل ما برای انقلاب ملی دموکراتیک است .

شایان اهمیت است که ما تهاجم عمده علیه انقلاب ملی دموکراتیک خود را که از سوی سرمایه رهبری می شود تحلیل کنیم و آن را درک نماییم . و همزمان متوجه باشیم که ، پویش بغرنجی در درون صفوف مخالف اصلی استراتژیک ما وجود دارد. ما باید در برابر تئوری غلو آمیز توطئه محتاط باشیم ، و نباید هم تصور کنیم که سرمایه هویتی یک پارچه رها از تضاد است. کشمکش های مهمی بین شرکت های چند ملیتی خارجی، سرمایه انحصاری داخلی، و بخش های غیر انحصاری وجود دارد. سرمایه انحصاری آفریقای جنوبی به امتیازات نژادی ، تحریم ها و فضای حمایتی در تامین

سوسیالیسم آینده است!

فوق العاده سطح بالای کنترل انحصاری اش بر اقتصاد افریقای جنوبی وابسته شده است. بر همین اساس رقابت آشکاری نیز بین شرکت های چند ملیتی و برخی بخش های غیر انحصاری در داخل افریقای جنوبی از یک طرف و بخش انحصاری افریقای جنوبی از طرف دیگر وجود دارد. این امر به نوبه خود ، بین هرکدام از آنها سبب مسابقه ای برای جلب همراهی نخبگان جدید سیاسی است.

تضادهای بین این نیروهای مختلف به جنبش رهایی بخش کنونی ما فضایی برای مانور عرضه می کند. اما خطرهای مهلکی هم در سادگی و پذیرش غیر انتقادی منطقی، مثلاً، لفاظی نئو لیبرالی چند ملیتی ها درباره " ضد انحصار" وجود دارد. برعکس ساده بودن در پذیرش غیر انتقادی مدعیات " میهن دوستی" انحصارات داخلی هم می تواند خطرناک باشد. ورای اختلاف ها ، بین آنها دستور کار منفردی وجود دارد: پذیرفتن صوری رفع تبعیض نژادی و دموکراسی ، با هدف تحکیم انباشت سرمایه در جنوب و آفریقای جنوبی.

مبارزه با مخالف استراتژیک اصلی خود، در تعادل ملی ، منطقه ای و جهانی نیروها در شرایط کنونی ، به ناچار به یک درگیری با این نیروها منجر می شود. ما برای تحکیم انقلابی ملی دموکراتیک در بافت جهانی و

آن را زهم اکنون بسازیم

در یک عرصه ملی که هنوز تحت سلطه سرمایه داری است تلاش می کنیم . ما در همین عرصه و نه در فضایی جدا و نه در منطقه ای آزاد شده است که مجبوریم با مخالف طبقاتی خود برای پیشرفت ، تعمیق و دفاع از دموکراسی و برای حرکتی استوار به سوی سوسیالیسم مبارزه کنیم . این امر به مبارزه طبقاتی دراز مدتی در تمام جبهه های ، سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی و ایدئولوژیک دامن می زند. این امر هم چنین به کار گیری طیف گسترده ای از تاکتیک های مبارزاتی را ، با استفاده موثر از قدرت دولت ، به واسطه مبارزه طبقاتی و توده ای ، و در واقع به واسطه مذاکرات برای درگیر کردن مخالف اصلی استراتژیک ما الزامی می کند.

فرآیند این مبارزات از پیش تعیین شده نیست . علیرغم تقویت جهانی سرمایه داری ، سیستم سرمایه داری ، هم از نظر داخلی و هم از نظر جهانی با بحران های ساختاری مواجه است . ما نیازمندیم که بر اساس توان نسبی خود همکاری کنیم و از ضعف مخالف استراتژیک اصلی خود بهره برداری نماییم .

2.3.2. نیروهای مخالف فرعی

دومین تهدید روند دموکراتیزه کردن از لایه هایی در کشور ناشی می شود که مستقیماً به حاکمیت نهادی شده نژاد پرستانه وابسته بوده اند. این گروه بسیاری از اقشار میانی رو به پایین سفید پوست از جمله بسیاری از

سوسیالیسم آینده است!

کارکنان دولت و نیروهای امنیتی ، و نیز کسانانی که قدرت و مزایای خود را مدیون نهادهای قومی و شبه قومی می دانند ، در بر می گیرند.

بسیاری از این لایه ها به دلیل آن که فاقد تغییر پذیری، مهارت و دوراندیشی نسبتاً استراتژیک سرمایه بزرگ هستند، خیلی زود مانع تراشی ، از جمله خشونت و رفتار علیه گذار سازمان دهی شده را آغاز کردند. به استثنا قابل توجه (اما عموماً منطقه ای) آن نیروها در درون IFP (حزب آزادی اینکاتا) ، این گرایشات سیاسی ، پس از آوریل 1994، به طور کلی چند پاره و دارای اهمیت فرعی شده اند. بسیاری از مطالبات راهبردی آنها فاقد ارتباط منطقی است. (بعنوان مثال مطالبه "ولکستات" « درخواست دولت اقلیت افریکانرها در افریقای جنوبی»)

اما این نیروها کاملاً از بین نرفته اند. مراقبت دائمی ضروری است . بسیار مهمتر آن که ، این امر مهمی است که پایگاه های اجتماعی عملی یابالاقوه آنها در حال جلب شدن به داخل روند های گذار ملی و دموکراتیک و برخورداری از آن است. فقرای روستایی کوازولو - ناتال مثل بسیاری از کسان دیگر، کارگران مهاجر، کارگران سفید پوست از جمله تعداد فزاینده ای بیکاران سفید پوست ، همگی نیازمند آن هستند که از مواهب بازسازی و توسعه برخوردار و به شرکت کنندگان فعال در صفوف آن تبدیل شوند.

این امکان وجود دارد که در میان مدت و طولانی مدت، مخالف اصلی راهبردی ما قادر باشد بار دیگر برای استفاده از برخی و یا تمام نیروهای مخالف فرعی ما برای شکست انقلاب ملی دموکراتیک یا نابود کردن نیروهای مترقی در درون جنبش رهایی بخش تلاش نماید. از این رو مراقبت و تحکیم موثر قدرت سیاسی، و باز سازی و توسعه موثر به تمامی لازمند. در خاتمه یاد آور می شود که توسعه و تعمیق دموکراسی دقیقاً بهترین دفاع از انقلاب آوریل 1994 هستند.

2.4- مبارزه علیه ستم بر زنان در فاز کنونی انقلاب ملی دموکراتیک-یک دورنمای

سوسیالیستی

همانطور که پیش از این ذکر شد، محتوی اصلی انقلاب ملی دموکراتیک ماغلبه بر ارثیه ستم ملی بر سیاهان و به ویژه اکثریت افریقایی در کشور ماست. در مرحله کنونی انقلاب ملی دموکراتیک، این امر مستلزم پیشرفت، تعمیق و دفاع از انقلاب دموکراتیک است. اما تحکیم دموکراسی باعدم پیشرفت موثر به سمت سوسیالیسم، و نیز بدون غلبه همزمان بر پدرسالاری و تغییر فعالانه مناسبات جنسیتی مقدور نیست.

بدبختانه این بعد بحرانی، اغلب فراموش یا فرعی قلمداد می شود. پدرسالاری (نهادهای، سنن و گرایش هایی که مردهارا ذاتاً نسبتاً به زنان برتر

سوسیالیسم آینده است!

می شمارد) در جوامع سوسیالیستی نیز مقاومت کرده است ، پدرسالاری باید آگاهانه معرفی و افشا شود، این امر به دلیل آن که بنیاد های اقتصادی ستم بر زنان پاک سازی نشده است به سادگی قابل بر انداختن نیست.

این امر با صراحت خطایی بود که توسط برخی از "مارکسیست ها" عملی شد. در یک شیوه اقتصادی ، آنها ستم بر زنان را کم اهمیت جلوه داده اند و آن را بسادگی همچون رویه منفی استثمار طبقه کارگر ارزیابی می کنند . آنها رویکرد " مبارزه ناب طبقاتی" را مطرح می کنند ، و اعتقاد دارند که سوسیالیسم به طور خودکار به ستم جنسیتی پایان خواهد داد. اما سوسیالیسم یک سیستم اقتصادی جدید ناب نیست، به تغییرات همزمان سیاسی ، فرهنگی ، اخلاقی و مناسبات جنسیتی نیاز دارد. با همین استدلال ، ما بعنوان سوسیالیست ها در فاز کنونی انقلاب ملی و دموکراتیک در آفریقای جنوبی ، به مبارزه فعالانه برای دموکراتیزه کردن بی قید و شرط نیاز داریم، و ملزم به تاکید هستیم که دموکراتیزه کردن مستلزم غلبه بر پدرسالاری است.

مادامی که برخی "مارکسیست ها" مسئله جنسی را فرعی قلمداد کنند ، غیر مارکسیست هایی وجود خواهند داشت که استدلال کنند طبقه چیز بی ربطی است یا کاملا مستقل از ستم جنسیتی است. این دورنما نیز کاملا غلط

آنرا از هم اکنون بسازیم

است. ستم طبقاتی، ستم ملی و پدرسالاری به شیوه های بیشمار می‌کنند. را قطع و تقویت می‌کنند.

حزب کمونیست افریقای جنوبی باید به ایجاد جنبش مترقی زنان در افریقای جنوبی یاری نماید. حزب کمونیست افریقای جنوبی در فاز کنونی انقلاب ملی دموکراتیک، برای مورد تاکید قرار دادن ارتباط عمیق بین ستم طبقاتی، ستم ملی و ستم بر زنان به کسب نقشی رهبری کننده نیاز دارد. مبارزه علیه پدرسالاری، هم مستلزم یک قانون مستقل و هم مستلزم همگرایی در درون وظایف عاجل روزانه برای پیشرفت، تعمیق و دفاع از انقلاب دموکراتیک است.

بعنوان حزب طبقه کارگر و حزب سوسیالیسم، حزب کمونیست افریقای جنوبی به ویژه ملزم به تمرکز بر مسائلی است که بر طبقه کارگر و زنان فقیر شده روستایی بیشترین تاثیر را دارند.

این مسائل عبارتند از:

- عدم مالکیت زمین و فقدان تاسیسات زیر بنایی (آب، برق، حمل و نقل) در مناطق روستایی
- قدرت پدرسالار رهبران سنتی
- خشونت علیه زنان

سوسیالیسم آینده است!

- حضور تعداد کثیری از زنان کارگر در بخش هایی از اقتصاد که حقوق های پرداختی در آن بخش ها کمترین و سازماندهی اتحادیه ای (کارگران خانگی ، کارگران نظافت ، مزارع و مغازه های کوچک و متوسط مثل لباس فروشی ها) مشکل است.

- گرایش پدرسالارانه حاکم درگاه ها که در برابر نبود مرخصی زایمان ، فقدان طبقه بندی مشاغل، بکار گماری و سیاست های ترفیع شغلی که بسیاری از زنان را به دریافت کمترین پایه های دستمزد وادارمی کند تبعیض قایل می شود، و غیر آن...

- وابستگی سیستم سرمایه داری موجود به بازتولید نیروی کار ارزان " نامشهود" و بیگاری میلیون ها زن مثل پرستاران بچه ، پرستاران بیماران و پیران، زنان مزرعه دار ، و زنان خانه دار. این کاری است که بیش از میلیاردها دلار ارزش تولید می کند ، اما هرگز در محاسبه در آمد های ملی ما مشخص نمی شود.

- قیمت های گران مواد غذایی. قیمت مواد غذایی به طور پیوسته بیش از سایر اقلام سبد مصرف کننده افزایش می یابد ، و عمده ترین یاری کننده به افزایش تورم است . بدیهی است مرد و زن عمیقاً تحت تاثیر افزایش قیمت مواد غذایی قرار دارند. اما در سیستم پدر سالارانه که انتظار

می رود زنان مسئولیت تغذیه و مدیریت خانواده را بعهده بگیرند، زنان به ویژه ضربه روحی ناشی از افزایش قیمت مواد غذایی را با شدت تجربه می کنند.

• شرایط بحرانی خدمات اجتماعی در بسیاری از مناطق از جمله بهداشت ، مسکن، آموزش و پرورش و مستمری ها . تمام این بحران ها بطور نا متناسبی به زنان طبقه کارگر و روستاهای فقیر آسیب می رساند.

• حقوق کودکان دختر برای برخورداری از فرصت های مساوی

• انواع تبعیض های پدرسالارانه که اختیار زنان را بر حقوق تناسلی خود ، از جمله حق انتخاب سقط جنین انکار می کند . فراتر از این ، نه تنها این تبعیض ها بر زنان در جامعه ما تاثیر می گذارد ، بلکه به ویژه بر زنان طبقه کارگر و زنان روستایی صدمه وارد می نماید.

برجسته کردن این حوزه ها تاکید می کند که حزب کمونیست افریقای جنوبی ملزم است به :

• توجه ویژه به حمایت آزان برنامه های بازسازی و توسعه که به حوزه هایی که بیشترین تاثیر را بر زنان طبقه کارگر و زنان روستایی دارد جهت گیری کرده اند، مثلا تدارک آب برای مناطق روستایی، اصلاحات ارضی ، دموکراتیزه کردن دولت های محلی مناطق روستایی، دموکراتیزه کردن محیط کارگاه ها و تضمین حقوق کامل سندیکایی برای تمام

سوسیالیسم آینده است!

کارگران، اصلاحات اساسی در تدارک و توزیع مواد غذایی ، و تغییر اساسی در بهداشت ، مسکن و آموزش و پرورش.

- زنان نباید تنها برخورداران منفعل برنامه های بازسازی و توسعه باشند. زنان باید در تمام سطوح برنامه ریزی ، تصمیم سازی و اجرای برنامه های بازسازی و توسعه مشارکت نمایند. این امر ضرورتاً به صورت خودکار رخ نخواهد داد. از این رو تضمین آن که در داخل طرح بازسازی و توسعه بودجه های ویژه ای در این راستا اختصاص یابد برای تضمین آن که زنان فعالانه برای مشارکت فعال توانمند شوند اهمیت دارد.

- بعنوان حزبی پیشرو ، حزب کمونیست افریقای جنوبی مسئولیت ویژه دفاع صریح از ارزش های بنیادی دموکراتیک در حوزه هایی را دارد که اغلب اوقات بعنوان نقاط " حساس " یا "زود رنجی" در درون جنبش گسترده رهایی بخش مد نظر قرار گرفته اند. این موارد حق گزینش زنان در رابطه با سقط جنین، حق آزادی کامل در رابطه با مزیت جنسی، و کارزار علیه قدرت غیر دموکراتیک رهبران سنتی را در بر می گیرد. در ایفای چنین نقش هایی ، ما البته باید ، مطمئن باشیم که محدودیت های "چپ" را بر کارزارهای دموکراتیک تحمیل نکنیم.

- حزب کمونیست افریقای جنوبی همیشه مسئولیت های خود را در مشخص کردن پیوسته محتوی طبقاتی ستم ملی درک کرده است . همانطور که پیش از این یاد آور شده ایم ، همان مسئولیت در رابطه باستم بر زنان نیز به کار می رود. بعنوان حزب طبقه کارگر ، حزب کمونیست افریقای جنوبی باید علیه گرایش های منحصر کردن مبارزه برای آزاد سازی زنان به ترویج شدید، در چهارچوب "فعالیت مثبت" نخبگان جدید (عموما سیاه) زنان موضع گیری نماید. حزب کمونیست آفریقای جنوبی برای کارزار ترقی زنان و به ویژه زنان سیاه در تعداد زیادی از مناصب رهبری در دولت و در تمام حوزه های اجتماعی مبارزه کرده است و خواهد کرد . ما تنها فقط این روند را آغاز کرده ایم، بسیاری کارها مستلزم عملی شدن است . در عین حال هرگز نباید اجازه داد که این نوع از کارهای مثبت همچون پایان مسئله ، یا بعنوان محتوی اصلی آزادی زنان تلقی شود.
- و سرانجام آن که ، حزب کمونیست افریقای جنوبی مسئولیت ویژه ای برای اطمینان از آن که نمونه ای از آن در درون صفوف خود ایجاد کند دارد. این نمونه شامل :
- توام کردن بسیار موثر تر همکاری جنس در ساختمان حزب و در توسعه کادرها، و اطمینان از آن که اجتماع جنسی در داخل حزب صرفا بعنوان همایش زنان مد نظر قرار نمی گیرند.

سوسیالیسم آینده است!

- اطمینان از آن که ما در جلب زنان به صفوف حزب ، به ویژه زنان طبقه کارگر و مناطق روستایی بسیار موثرتر هستیم. این به معنای تفکر منتقدانه نسبت به چگونگی عمل کرد حزب در تمام سطوح آن است : نقد ساعات همایش ، نقد قابلیت استفاده محیط، و نقد گرایش به سمت روشنفکرنمایی غلو شده ، که اعتماد به نفس بسیاری از رفقای زن را از بین می برد .

- سنجش پیش بینی های رفتار مثبت داخلی حزب با اهداف برای اطمینان از مشارکت موثر زنان در تمام سطوح رهبری حزب .

مارکس پیش از این گفت " ملتی که بر ملت دیگری ستم روا می دارد، هرگز نمی تواند آزاد باشد". دقیقاً همان قاعده برای پدرسالاری نیز قابل استفاده است . مادامی که زنان در کشور ما مورد ستم قرار می گیرند، افریقای جنوبی هرگز نمی تواند آزاد باشد. مبارزه علیه پدرسالاری در ارتباط ناگسسته ای با مبارزه سراسری برای دموکراسی و سوسیالیسم قرار دارد .

ماشعار "سوسیالیسم آینده است ، آن را از اکنون بسازیم " را باین ادعا
بکار می بریم :

• اعتماد عمیق ما بر آن که سوسیالیسم تنها آینده عادلانه، عقلانی و
قابل تحمل برای مردم کشور ما و تمام بشریت است ، و

• باید برای این آینده از همین جا و از همین امروز مبارزه کرد

ما در افریقای جنوبی در فاز پیشرفت، تعمیق و دفاع از انقلاب ملی
دموکراتیک قرار داریم. اما هیچ دیوارچینی بین این مرحله و تحکیم
سوسیالیسم وجود ندارد. در شرایط ما، این دو مرحله انقلاب عمیقا به هم
پیوند خورده اند. انقلاب ملی دموکراتیک نه تنها انحراف از سوسیالیسم
نیست بلکه مسیر مستقیم به سوسیالیسم است. به عبارت دیگر، ما بعنوان
سوسیالیست پشت مبارزه رهایی ملی سوارکاری نمی کنیم. ارزش های
سوسیالیستی ، تحلیل های سوسیالیستی ، و سازمان های سوسیالیستی ، نه
فقط به خاطر آینده، بلکه برای موفقیت در مبارزه جاری حیاتی هستند. در
افریقای جنوبی و البته در سطح بین المللی، حزب کمونیست افریقای
جنوبی در مبارزه برای سوسیالیسم تنها نیست .

ما بعنوان حزب کمونیست افریقای جنوبی در همین جا و هم اکنون برای
گذاری که هم امکان پذیر و هم واقعی است مبارزه می کنیم ، که دارای

سوسیالیسم آینده است!

ارزش ذاتی خود هستند، و مبنایی هستند که برای گذار سوسیالیستی آینده می توان برآن ها تکیه کرد.

این نگاه حزب کمونیست افریقای جنوبی را از "ماورا چپ" متمایز می کند. برای تشکیلات "ماورا چپ" پیشرفت هایی که می توان تا ساختمان سوسیالیسم بدان دست یافت اهمیتی ندارد، و سوسیالیسم بنا به تعریف آنها "به صورت خودکار" تمام مسائل زحمتکشان را "حل" می کند. در چنین چشم اندازی، سوسیالیسم به مفهومی کاملا اتوپیایی، و آئینه مثبت تصویر تمام ناخوشی های کنونی جامعه تبدیل می شود. این منظره تنها در خدمت فرعی کردن سوسیالیسم است. در گیری با موضوعات اینجایی و اکنونی "بیهوده" (مثلا انتخابات پارلمانی، یا تغییر خدمات امنیتی، یا مبارزه برای حقوق کارگران) یا در بهترین حالت، شیوه های بسیج کارگران برای شورش آینده است .

چشم انداز راهبردی ما و روشی که در حال حاضر بنا بر آن مبارزه می کنیم ، نیز حزب کمونیست افریقای جنوبی را از تشکیلات و گرایش هایی که مشخصه آنها اقتصاد گرایی (اکنونیسم) و اصلاح طلبی (رفورمیسم) تنگ نظرانه است متمایز می سازد. گرایش هایی نیز وجود دارند که در حالی که گهگاه خواهان "سوسیالیسم" هستند، اما آنچنان در کارهای عاجل اینجا و

آنرا از هم اکنون بسازیم

اکنون فرو رفته اند که هدف انتقال ساختاری ، و نیز هدف تغییر انقلابی سوسیالیستی را فراموش کرده اند.

ما در ادامه رئوس حوزه های تمرکز سمت گیری سوسیالیستی که حزب کمونیست افریقای جنوبی نیازمند تاکید بر آن ها در فاز کنونی انقلاب ملی دموکراتیک خود است می پردازیم.

اما در ابتدا نیازمندیم به پرسیم که:

3.1- سوسیالیسم چیست؟

سوسیالیسم یک سیستم اجتماعی انتقالی بین سرمایه داری (و سایر سیستم ها بسته به ستم طبقاتی و استثمار) و جامعه کمونیستی کاملاً بی طبقه است.

انتقال سوسیالیستی امکان دارد روندی طولانی باشد . انتقال همچنین ممکن است با تضاد ها ، رکود ها و بازگشت های عمده ای همراه باشد. تاریخ هرگز یک روند آرام نیست و هرگز نتیجه از پیش تضمین شده ای نداشته است .

سوسیالیسم مستلزم سرکردگی طبقه کارگر و دارای 4 خصلت بنیادی است:

دموکراسی

برابری

آزادی

سوسیالیسم آینده است!

و اجتماعی کردن بخش مسلط اقتصاد (سوسیالیزه کردن)

هر یک از این خصیصه های بنیادی دارای اهمیت و دارای همبستگی درونی و به هم وابسته هستند.

3.1.1- دموکراسی

سوسیالیسم برای حزب کمونیست افریقای جنوبی به مثابه مقاومت برای تعمیق ریشه ای و گسترش دموکراسی در تمام محیط های اجتماعی است . سوسیالیسم در باره براندازی آن نمود های دموکراسی سیاسی (یک نفریک رای، انتخابات چند حزبی عادی ، حقوق شهروندی، مشروعیت دادرسی عادلانه ، قوه قضاییه مستقل و غیره) که برخی اوقات (و به نادرست) به عنوان دموکراسی "بورژوازی" به آن استناد می شود نیست. ما در افریقای جنوبی مدت های طولانی و به سختی برای تحقق این حقوق دموکراتیک بنیادی مبارزه کرده ایم. این مبارزه ، مبارزه ای توده ای بود که به انقلاب دموکراتیک در آوریل 1994 نایل شد. دموکراسی بخشش بورژوازی نبود. ما برای دفاع از این دستاوردها مبارزه خواهیم کرد، و در پی لغو آنها به نام " مدل " برتر سوسیالیستی از دموکراسی نیستیم .

اما در صورتی که فراتر از انقلاب اوریل به مرزهای پیشرفت و تعمیق دموکراسی در تمام فضای جامعه ، پذیرش حوزه گسترده ی نمایندگی ،

آن را زهم اکنون بسازیم

نهادهای دموکراسی مستقیم و مشارکتی و اجرای آنها حرکت نکنیم این دستاورد های دموکراتیک عموماً صوری خواهند ماند . این تلاش به ناگزیر ما را به درگیری با طبقه سرمایه دار خواهد کشاند.

3.1.2-برابری

سوسیالیسم برای حزب کمونیست افریقای جنوبی نیز تحقق برابری است . ما بدنبال از بین بردن تفاوت عظیم در درآمدها، ثروت ، قدرت و فرصت هستیم که خصلت جوامع سرمایه داری است . در اعتقاد به مکتب برابری طلبی ما از یکنواختی مکانیکی و اجباری "خاکستری " رنگ بین تمام افراد آنچنان که مخالفین ما ادعا می کنند بحث نمی کنیم. ما انکار نمی کنیم که در جامعه سوسیالیستی تقسیم کار وجود خواهد داشت ، و آن که مثلاً وظایف مدیریتی، به ناچار وجود خواهد داشت. ما منحصر بودن نسبی تمام افراد را هرگز انکار نمی کنیم. مردم تخصص ها ، گرایش ها ، سلیق، تمایلات، فرهنگ و مزیت های جنسی متفاوتی دارند. ما برای از بین بردن این تفاوت ها تلاش نمی کنیم .

3.1.3- آزادی

دموکراسی و برابری طلبی بی قید و شرط نیز بنیان آزادی هستند. هواداران سرمایه داری خیلی زیاد از "انتخاب آزاد" و "فردگرایی" صحبت

سوسیالیسم آینده است!

می کنند. اما سرمایه داری با اقتصاد به طور رسمی بینواکننده شدید اکثریت جامعه اش ، به شدت انتخاب واقعی و فرصت های بسیاری از افراد را کاهش می دهد. سوسیالیسم فرایند افزایش و نه کاهش انتخاب فردی و جمعی قابل دسترس برای اکثریت مردم است . سوسیالیسم در تلاش آزادی از فقر و گرسنگی، آزادی از هتک حرمت و بی سوادی و رفع تهاجم طبقاتی، جنسی ، نژادی و ستم قومی است .

3.1.4- اجتماعی کردن(سوسیالیزه کردن)

چهارم سوسیالیسم برای حزب کمونیست افریقای جنوبی اجتماعی کردن (سوسیالیزه کردن) منتقدانه بخش مسلط اقتصاد نیز هست . این شرط اساسی برای دستیابی بی قید و شرط به دموکراسی ، برابری اساسی و گسترش آزادی است . این اعتقاد و قطعیت آن در چشم انداز راهبردی ما، ما را از بسیاری از احزاب سوسیال دموکراتیک معاصر، که افق آنها به نحو فزاینده ای به اصلاح اجتماعی در داخل مرزهای سرمایه داری محدود شده است متمایز می سازد.

در گذشته مایل بودیم سوسیالیسم را همچون دوران انتقالی همراه با برنامه ریزی دولتی ببینیم. اما اجتماعی کردن اقتصاد مفهومی بسیار گسترده تر و از نظر کیفی غنی تر دارد . این مفهوم ما را از تمرکز ساده تنها بر اشکال

آن را از هم اکنون بسازیم

قانونی مالکیت دور و به سمت تاکید بر توانمند سازی واقعی زحمتکشان پیش می راند. این توانمند سازی زحمتکشان باید افزایش نظارت بر سلطه مالکیت را در بر گیرد. که عبارت است از:

- گسترش توانایی واقعی کارگران برای تاثیر گذاری بر تصمیمات متخذه در محیط کار، برای مثال در سازماندهی مدیریت روندهای تولید، توسعه تولید و غیره

- و، افزایش نظارت کارگران بر قدرت اجتماعی مالکیت اقتصادی که عبارت است از:

- افزایش قدرت کارگران در تصمیم سازی در باره سیاست های تخصیص سرمایه گذاری اجتماعی بیشتر، اولویت های بودجه ملی، و غیره

اشکال قانونی مالکیت آشکارا در دستبازی به اجتماعی کردن (سوسیالیزه کردن) یک عامل (البته نه تنهاعامل) هستند. اجتماعی کردن اقتصاد به پذیرش اشکال گسترده ای از مالکیت اجتماعی نیاز دارد، از جمله:

یک بخش مسلط و متنوع عمومی، با مالکیت موسسات اقتصادی و مدیریت شده از سوی دولت مرکزی، و مقامات استانی و شهری. این موسسات اقتصادی بخش عمومی در صورت نیاز می توانند در معرض اشکال متنوعی از نظارت دموکراتیک، از جمله به لحاظ امنیت اتحادیه های کارگری،

سوسیالیسم آینده است!

شوراهای محل کار، کمیته های پارلمانی، شورای مصرف کنندگان ، و رسانه ها قرار گیرند. موسسات اقتصادی بخش عمومی می توانند تا حدی از استقلال نسبی در اداره امور خود بر خوردار باشند، اما نه بر خوردار از استقلال کامل. دولت دموکراتیک منتخب می تواند قدرت نهایی را در موضوع سرمایه گذاری ، نرخ گذاری، و محل سرمایه گذاری داشته باشد. هر موسسه اقتصادی بخش عمومی نیز می تواند از سوی منابع جایگزین هم از سوی موسسات اقتصادی بخش عمومی و هم از بخش خصوصی موضوع رقابت واقع گردد.

یک بخش مهم رشد یابنده تعاونی

یک بخش خصوصی ، به طور عمده متشکل از شرکت های کوچک و متوسط ، بدون شک ، با ایفای نقشی مهم در فراهم آوری کالا و خدمات نیز می تواند در سوسیالیسم وجود داشته باشد .